

"بسمه تعالی"

بررسی تفصیلی حضور زنان در مسجد

علی اکبر گندمکار

مقدمه

در معیارهای ارزشی قرآن و روایات، بین زن و مرد نوعی برابری حاکم است، در مقام‌های معنوی تفاوتی بینشان نیست و در انسانیت و ارزش‌ها موقعیتی یکسان دارند. تنها ملاک برتری انسان‌ها بر یکدیگر تقوا است. تقوا در معنای حقیقی‌اش^۱ امری اکتسابی است و به جنسیت ربطی ندارد، چنان‌که به نژاد، جغرافیا، سن، ثروت و زیبایی نیز ربطی ندارد.

اسماء بنت عمیس، یکی از نخستین زنان مهاجر در اسلام، وقتی از «حبشه» بازگشت، به دیدار همسران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آمد و نخستین چیزی که پرسید این بود: «آیا آیه‌ای درباره‌ی زنان نازل شده است؟» آنان پاسخ دادند: «خیر». اسماء خدمت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) رسید و عرض کرد: «ای رسول خدا! جنس زن گرفتار خسران و زیان است؟» رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: «چرا؟» گفت: «چون در قرآن فضیلتی همانند مردان برای زنان نیامده است». در همان هنگام آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی احزاب نازل شد که ده ارزش معنوی یکسان برای زن و مرد مطرح کرده است.^۲ در سوره‌های دیگر نیز از ارزش‌های برابری بین زنان و مردان سخن به میان آمده است.^۳

بنابراین، زن در رسیدن به کمالات و درک مدارج عالی اخلاقی و حتی علمی هیچ تفاوتی با مرد ندارد. اسلام زن را مانند مرد دارای روح کامل انسانی و اراده و اختیار می‌داند؛ لذا هر دو را در یک صف واحد قرار داده است و در یک مسیر هدایت می‌کند. قرآن کریم گاه با خطاب‌های «یا ایُّهَا النَّاسُ» و «یا ایُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» (بدون در نظر داشتن جنسیت) هر دو را مخاطب قرار داده است و برنامه‌های تربیتی و اجتماعی را برای هر دو لازم دانسته است و گاه زنان را به صراحت در کنار مردان قرار داده است: «وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ»^۴، و هر که کار شایسته کند -چه مرد باشد یا زن- درحالی‌که ایمان داشته باشد، در نتیجه آنان داخل بهشت می‌شوند و در آنجا

۱. سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۳»

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۰۸.

۳. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۵ و سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۵

۴. سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۴۰ و با همین مضمون سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۲۴ و سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۹۵ و ۱۹۰ و سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۹۷

بی حساب روزی می‌یابند یا «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَنَلْجِزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۱، هر کس - از مرد یا زن - کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.

تردیدی نیست بانوان در تربیت و رشد انسانی جامعه نقش تعیین‌کننده و بی‌بدیلی دارند و زیربنای فضیلت‌های انسانی‌اند. در سخن کوتاه اما پربار و آسمانی امام صادق (علیه‌السلام) آمده است: «أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ»^۲، بیشترین خیر و خوبی در وجود بانوان است. جلوه‌ای از این کلام آسمانی در سخنان امام (رحمه‌الله‌علیه) این‌گونه آمده است: «زن مری جامعه است... سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن مبدأ همه‌ی سعادت‌ها باید باشد»^۳؛ «عنصر تابناکی که زیربنای فضیلت‌های انسانی و ارزش‌های والای خلیفه‌الله در جهان است»^۴.

اکنون، اگر بپذیریم بیش از نیمی از جمعیت هر جامعه را زنان تشکیل می‌دهند، این سؤال مطرح می‌شود که آیا از نظر اسلام فضایل و آثاری که برای رفت‌وآمد به مسجد و حضور در آن ذکر شده است، فقط مختص به مردان است یا زنان نیز می‌توانند از آثار و برکات خانه‌ی خداوند بهره‌مند شوند؟ به‌دیگرسخن، آیا در زمان پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و صدر اسلام، زنان در مساجد حضور می‌یافتند یا نه؟ اگر در مسجد حضور داشته‌اند، شیوه‌ی برخورد پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با این رفتار و حرکت اجتماعی زنان چگونه بوده است؟

در پاسخ اجمالی به این سؤال باید گفت: اسلام زنان را تاجایی که حضورشان به فساد آلوده نشود، از شرکت در اجتماع نهی نمی‌کند؛ بلکه در بعضی موارد شرکت آنان را واجب می‌داند، مانند شرکت در مراسم حج واجب، که بر مرد و زن به یک اندازه واجب است و حتی شوهر هم حق جلوگیری از همسر خود را ندارد.^۵ از دیگر مواردی که اسلام بر هر مسلمانی واجب دانسته و تفاوتی قائل نشده است تحصیل

۱. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۹۷

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۴.

۳. صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۸۵ - ۱۲۵.

۴. همان.

۵. الخلاف، ج ۲، ص ۴۳۱ و کتاب الحج، آداب الاحرام.

است. لذا، تحصیل برای زن به اندازه‌ی مرد واجب است. پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در روایتی فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»^۱. طلب علم و دانش‌افزایی بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است. در جهاد ابتدایی، شرکت زنان، پیرمردان، بیماران و خردسالان لازم نیست؛ ولی در جهاد دفاعی اگر افراد به قدر کفایت به جبهه نروند، دفاع از هیچ‌کس ساقط نمی‌شود و بر زنان، پیرمردان، بیماران و خردسالان نیز واجب می‌شود.^۲ رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، با قید قرعه، زنانشان را با خود به سفرهای جهادی می‌بردند؛ بعضی از اصحاب نیز چنین می‌کردند.^۳ شرکت بانوان در نماز جمعه واجب نیست.^۴ همچنین زنان از تشییع جنازه منع نشده‌اند. در اخبار آمده است که وقتی زینب، دختر بزرگ رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، وفات کرد، خواهرشان زهرا (سلام‌الله‌علیها) و زنان مسلمان آمدند و بر وی نماز خواندند.^۵

شیخ حر عاملی، در کتاب وسائل‌الشیعه، روایات گوناگونی در این زمینه جمع‌آوری کرده است که شرایط و چگونگی شرکت زنان را در مسائل اجتماعی بیان می‌کند. وی از مجموع این روایات به این نتیجه می‌رسد: «برای زنان رواست که در مجالس عزا، ادای حقوق مردم یا تشییع جنازه بیرون بروند و در این کارها شرکت کنند؛ همچنان‌که حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) و زنان ائمه‌ی اطهار در آن‌ها شرکت می‌کرده‌اند».^۶

بررسی تفصیلی حضور زنان در مسجد در عصر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)

مطالعه‌ی روایات موجود در کتب حدیثی شیعه و عامه و نیز دقت در شواهد تاریخی گویای این حقیقت است که حضور بانوان در مسجد برای برگزاری نماز جماعت، در عصر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، از مسلمات تاریخ است؛ زیرا اسلام نه مردان و زنان را خانه‌نشین کرده است و نه همه‌ی قیدوبندها را از پایشان گسسته است. در مقاله‌ی حاضر، برای روشن‌شدن ابعاد مختلف این بحث به تفصیل در این باره سخن می‌گوییم.

۱. بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۴۰ و ج ۲، ص ۳۲.
۲. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۱۷ و ۴۸۵.
۳. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۶۵ - ۱۶۴.
۴. وسائل‌الشیعه، ج ۷، ص ۳۳۷، باب ۱۸.
۵. همان، ج ۲، ص ۸۱۸ - ۸۱۷، ح ۱.
۶. همان، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۹، باب ۱۶.

مبحث اول: بررسی روایات فریقین

الف) خانه‌ی زن مسجد اوست

دسته‌ای از روایات مسجد زن را خانه و منزل مسکونی‌اش دانسته‌اند. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند: «صَلَاةُ الْمَرْأَةِ وَحَدَّهَا فِي بَيْتِهَا كَفَضْلِ صَلَاتِهَا فِي الْجَامِعِ خَمْسًا وَعِشْرِينَ دَرَجَةً»^۱، نماز فرادای زن در خانه‌اش همچون نماز جماعت ۲۵ درجه فضیلت دارد. ایشان همچنین فرموده‌اند:

«أَنَّ خَيْرَ مَسَاجِدِ النِّسَاءِ الْبُيُوتُ وَ صَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي صُفَّتِهَا وَ صَلَاتِهَا فِي صُفَّتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي صَحْنِ دَارِهَا وَ صَلَاتِهَا فِي صَحْنِ دَارِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي سَطْحِ بَيْتِهَا وَ تَكَرُّهُ لِلْمَرْأَةِ الصَّلَاةُ فِي سَطْحِ غَيْرِ مُحَجَّرٍ»^۲، بهترین مسجد زنان خانه است و نماز در خانه برتر از نماز او در ایوان است. نماز او در ایوان، برتر از نمازش در پشت‌بام خانه است.

همانند این روایات در منابع عامه نیز از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل شده است.^۳ در روایات امامان شیعه نیز چنین مضمونی وجود دارد؛ برای مثال امام صادق (علیه‌السلام) در این باره فرموده‌اند: «خَيْرُ مَسَاجِدِ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتُ»^۴، بهترین مساجد برای زنان خانه است. ایشان همچنین فرموده‌اند: «صَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي مِخْدَعِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا وَ صَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي الدَّارِ»^۵، نماز خواندن زن در اتاقش، بلکه در اتاق عقب و اندرونی، بهتر از خانه (به معنای اعم) است. ام سلمه از قول رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌گوید: «خَيْرُ مَسَاجِدِ النِّسَاءِ قَعْرُ بَيْوتِهِنَّ»^۶، بهترین مساجد برای زنان اتاق‌های عقب خانه است. بنابر روایتی، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به امام علی (علیه‌السلام) فرمودند: «يَا عَلِيُّ لَيْسَ عَلَيَّ النِّسَاءُ جُمُعَةً وَلَا جَمَاعَةً وَلَا أَذَانٌ وَلَا إِقَامَةٌ»^۷، ای علی! برای زنان الزامی جهت شرکت در نماز جمعه، جماعت و گفتن اذان و اقامه نیست. از مجموعه‌ی این روایات، با قطع نظر از روایاتی که بعداً به آن‌ها می‌پردازیم، می‌توان این گونه استفاده کرد که برای زنان خواندن نماز در خانه بهتر از مسجد است. اما، با تأمل و تحلیل در این گونه روایات چند نکته به دست می‌آید:

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۷، ح ۶۴۳۶ و مکارم الاخلاق، ص ۲۳۳، باب نوادر نکاح، فصل ۱۰.
۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۰۸۸.
۳. السنن الکبری، ج ۲، ص ۱۳۲ و ج ۳، ص ۱۳۱ و سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۷۰.
۴. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۴۷، ح ۱۰۸۸ و تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۳، ح ۶۹۴.
۵. همان، ص ۳۶۱، ح ۱۱۷۸۸ و وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۶، ح ۶۴۳۱.
۶. المستدرک للنیسابوری، ج ۱، ص ۲۰۹ و نهج الفصاحه، ص ۴۷۴.
۷. الخصال، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۲ و بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۲۶، ح ۳.

۱. در روایات فوق معمولاً تلاش شده است تا به نحوی به مسئله‌ی عفاف بانوان اهمیت داده شود و در واقع در پی بیان این مطلب است که زن نباید در تیررس دید نامحرم نماز بخواند. پس اگر در مسجد پرده و حائلی او را از دید نامحرم حفظ کند، ملاک حکم رعایت شده است و بنابراین نماز زن با حفظ حریم و حدود الهی در مسجد افضل است، چنانچه نماز مرد هم چنین است.

۲. راوی اولین حدیث از امام صادق (علیه السلام) «یونس بن ظبیان» است که نجاشی و شیخ طوسی، صاحب کتب رجالی، او را ضعیف شمرده‌اند.^۱

۳. دسته‌ی دوم و سوم روایات که بیان خواهد شد، شواهد تاریخی، سیره‌ی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و حتی فتاوی بسیاری از فقهای اسلام بیانگر جواز حضور زن در مسجد است.

ب) روایات عام

در روایات زیادی در باب مسجد واژه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد مسجد به همه‌ی مردم، زن و مرد، متعلق است و به گروهی خاص اختصاص ندارد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: «الْمَسْجِدُ بَيْتُ كُلِّ مُؤْمِنٍ»^۲، مسجد خانه‌ی هر مؤمنی است. آن حضرت در بیانی دیگر مسجد را خانه‌ی همه‌ی متقیان و پرهیزکاران دانسته‌اند: «الْمَسَاجِدُ بُيُوتُ الْمُتَّقِينَ»^۳. حضرت علی (علیه السلام) در مورد همسایه‌ی مسجد فرموده‌اند: فرموده‌اند: «لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ عُذْرٌ أَوْ بِهِ عِلَّةٌ فَقِيلَ لَهُ وَ مَنْ جَارُ الْمَسْجِدِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ مَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ»^۴، نماز همسایه‌ی مسجد در خانه نماز کامل و تمام نیست، جز اینکه عذری داشته باشد. از امام (علیه السلام) سؤال شد همسایه‌ی مسجد چه کسی است؟ ایشان فرمودند: کسی که صدای اذان را بشنود.

روایات متعددی نیز وجود دارد که در آن‌ها واژه‌ی «مَنْ مَشَى» و «مَنْ أَسْرَجَ» آمده است. پیامبر

اسلام (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند:

۱. رجال نجاشی، ص ۴۴۸ و اختیار معرفة الرجال، ص ۲۰۹.

۲. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۰، ح ۲۰۷۳۶.

۳. همان، ص ۶۵۹، ح ۲۰۷۸۵ و مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲.

۴. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۴۸ و بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۸۱ و ۳۷۹.

«مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَاهَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ مُجِيَّ عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَ رُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ»^۱، کسی که به سوی مسجدی از مساجد خدا برود، برای هر گامی که برمی دارد تا به منزل برگردد ده حسنه برایش نوشته می شود و ده گناه از او برداشته و ده درجه ترفیع می یابد.

در روایتی دیگر امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: «مَنْ مَشَى إِلَى الْمَسْجِدِ لَمْ يَضَعْ رِجْلًا عَلَى رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ الْأَرْضُ إِلَى الْأَرْضِ السَّابِعَةِ»^۲، کسی که به سوی مسجد گام برمی دارد بر هیچ تروخشکی قدم نمی گذارد، مگر اینکه زمین تا طبقات هفت گانه اش برای او تسبیح می گویند. در حدیثی دیگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «أَلَا بَشَرُ الْمَشَاءِينَ فِي الظُّلُمَاتِ (فی ظلم الليل) إِلَى الْمَسْجِدِ بِالنُّورِ (التام) السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۳، بشارت باد کسانی را که در تاریکی شب به مساجد می روند؛ همانا در روز قیامت از نوری فروزان و درخشنده در پیشاپیش خود برخوردارند. روایات دیگری نیز هستند که به طور عام زن و مرد را به رفت و آمد به مسجد، حضور مستمر در آن و روشنایی بخشیدن به آن تشویق کرده اند.^۴

(ج) روایات دال بر جواز حضور زنان در نمازهای جماعت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

از مسلمات تاریخ حضور بانوان در مسجد، برای شرکت در نماز جماعت است، به خصوص نماز جماعت صبح و مغربین، پشت سر و به امامت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله). کعبه اولین خانه ای است که برای عبادت مردم (زن و مرد) بنا شد و عبادت کنندگان را به سوی خود متوجه و جذب کرد: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِيَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ»^۵، درحقیقت نخستین خانه ای که برای [عبادت] مردم نهاده شده همان است که در مکه است و مبارک و برای جهانیان [مایه] هدایت است. مکه می معظمه و مسجد الحرام کامل ترین مصداق مسجد است؛ تا آنجاکه نماز فرادی در آن از نماز جماعت در خانه بهتر است: «الصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۱، ح ۶۳۲۸ و ثواب الاعمال، ص ۲۹۱.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۳، ح ۷۰۱ و وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۰.

۳. همان، ص ۲۳۹، ح ۷۲۰ و سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۷۸۱.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۷۱۶ و شیخ طوسی، الامالی، ص ۱۳۹.

۵. سوره ی آل عمران، آیه ی ۹۶

تَعْدِلُ مِائَةً أَلْفِ صَلَاةٍ»^۱. در همین مسجد است که اولین نماز جماعت به امامت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و با حضور جوان مردی چون علی بن ابی طالب (علیه السلام) و بانویی چون حضرت خدیجه (سلام الله علیها) برگزار شد.^۲

ذیل آیهی ۵۹ سورهی احزاب که خداوند دستور می دهد: «ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و زنان باایمان بگو جلاباب های (روسری های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند؛ این کار برای اینکه شناخته نشوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند بهتر است» از امام (علیه السلام) نقل شده است: «سبب نزول آیه چنین بود که چون زنان برای شرکت در نماز جماعت مغرب و عشاء به مسجد می رفتند، جوانان بر سر راه آنان می نشستند و آنان را آزار می دادند و متعرض ایشان می شدند. از این رو، پس از نزول آیه، زنان انصار با لباس سیاه و بلند و با حجاب کامل در نماز جماعت حاضر می شدند»^۳. آیه و شأن نزول آن بیانگر این نکتهی ظریف و حکیمانه است که اسلام در برابر حضور زنان در مجامع فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و پذیرش مسئولیت های اجتماعی از طرف آنان، حتی زمانی که مورد چشم چرانی و مزاحمت جوانان قرار می گیرند، با حکم خانه نشینی و ایجاد محدودیت برخورد نمی کند؛ بلکه با ارائه ی طرح های مصونیت آفرین راه را برای حضور هر چه بیشتر آنان می گستراند. علاوه بر سخن فوق، شواهد تاریخی حاکی از حضور زنان در نماز جماعت رسول اعظم (صلی الله علیه وآله) است. امام علی (علیه السلام) می فرماید: «كَانَ النَّسَاءُ يُصَلِّينَ مَعَ النَّبِيِّ صَ فَكُنَّ يُؤْمَرْنَ أَنْ لَا يَرْفَعْنَ رُءُوسَهُنَّ قَبْلَ الرَّجَالِ لِضَيْقِ الْأُزْرِ»^۴، زنان پشت سر مردان نماز جماعت را با پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به جا می آوردند و چون لباس مردان کوتاه بود، به زنان دستور داده شده بود که پیش از مردان سر از سجده برندارند.

در برخی از روایات، در منابع شیعه و سنی، آمده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَسْمَعُ صَوْتَ الصَّبِيِّ وَهُوَ يَبْكِي وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ فَيُخَفِّفُ الصَّلَاةَ أَنْ تَعْبُرَ أُمَّهُ»، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)، در حال نماز، چون صدای گریه ی طفل را در صف زنان شنیدند، نماز را کوتاه خواندند تا مادرش سراغ فرزند رود تا مبدا نگرانی در مادرش پیدا شود.^۵ همچنین نقل کرده اند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نماز صبح را در تاریکی می خواندند و

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۲۶، ح ۶.

۲. حج، محسن قرائتی، ص ۷۹ - ۸۰.

۳. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۶ و تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۰۷.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۹۶، ح ۱۱۷۶ و صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۱.

۵. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۷۰، ح ۷ و مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۷۴.

زنان مؤمن پس از نماز در همان تاریکی برمی‌گشتند و به دلیل تاریکی نه دیگران آن‌ها را می‌شناختند و نه حتی خودشان همدیگر را می‌شناختند.^۱ در روایتی دیگر می‌خوانیم:

زن قریشی به نام «عاتکه بن زید» پیوسته در نماز جماعت مسجدالنبی حاضر می‌شد، عمر از او خواستگاری کرد، او به این شرط که او را از نماز جماعت منع نکند پذیرفت با عمر ازدواج کند، عمر هم با نارضایتی پذیرفت، بعد از مرگ عمر وقتی زبیر از او خواستگاری کرد باز این شرط را مطرح نمود، زبیر هم به ناچار پذیرفت و او به نماز جماعت می‌رفت^۲

در زمان عمر، زنان به امامت «سلیمان بن ابی‌خثیمه انصاری» در ربهی مسجد نماز جماعت می‌خواندند؛ همان‌گونه که مردان به امامت «ابی بن کعب» نماز جماعت برگزار می‌کردند. پس از آن، عثمان مردان و زنان را در یک جا جمع کرد؛ ولی امیر المؤمنین (علیه‌السلام) در زمان خلافتش دوباره زنان و مردان را از هم جدا کرد و شخصی به نام عرفجه با زنان نماز می‌خواند.^۳ در برخی روایات، شیعه و سنی، آمده است که وقتی زنان برای رفتن به مسجد اجازه خواستند، آنان را منع نکنید. برای نمونه، پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند: هرگاه زنان شما اجازه‌ی رفتن به مساجد می‌خواهند، آنان را از بهره و نصیبشان از مساجد محروم نکنید و مانع نشوید.^۴ همچنین آمده است که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند: «لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ»^۵، کنیزان خدا را از رفتن به مساجد خدا منع نکنید. همچنین فرموده‌اند: «إِذَا اسْتَأْذَنْتِ أَحَدَكُمُ امْرَأَتُهُ إِلَى الْمَسْجِدِ فَلَا يَمْنَعُهَا»^۶، هرگاه همسر یکی از شما اجازه‌ی رفتن به مسجد خواست، نباید مانع وی شوید.

عده‌ای چنین پنداشته بودند که زنان فقط هنگام روز اجازه‌ی رفتن به مسجد دارند و برای نمازهای مغرب و عشاء، که با تاریکی شب همراه است، نباید به مسجد بروند؛ بنابراین جهت مبارزه با این پنداشت غلط در بعضی روایات آمده است که هرگاه بانوان اذن حضور شب هنگام در مسجد را خواستند، اجازه بدهید. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در دو بیان جداگانه می‌فرماید: «لَا تَمْنَعُوا نِسَائِكُمْ مِنَ الْخُرُوجِ إِلَى الْمَسَاجِدِ

۱. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۱۱.

۲. اسدالغابه، ج ۵، ص ۱۸۵ و مسند احمد، ج ۱، ص ۴۰.

۳. الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۷ - ۲۶.

۴. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳ - ۳۲ و صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۱۱ و المستدرک، ج ۱، ص ۲۰۹.

۵. سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۶۶ و ۵۶۵ و بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۳۵۴.

۶. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۶، ح ۹۵۹ و صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۲.

بِاللَّيْلِ^۱ و «إِذَا اسْتَأْذَنَ نِسَائُكُمْ بِاللَّيْلِ إِلَى الْمَسْجِدِ فَأَذْنُوا لَهُنَّ»^۲، زنان خود را شب هنگام از رفتن به مساجد منع نکنید و اگر اذن خواستند اجازه دهید. وقتی در شب که خطر بیشتری برای زنان وجود دارد می‌فرماید اجازه بدهید، در روز به طریق اولی باید اجازه داده شود. مفاد این روایات آن است که زنان از فضایل و آثار معنوی مسجد محروم نشوند و چنانچه زنان بتوانند عفاف و حجاب اسلامی و شئون زن مسلمان را رعایت کنند، فضیلت نمازخواندن در مسجد برای زنان همچون مردان است.

مبحث دوم: شواهد تاریخی حضور زنان در مسجد در صدر اسلام برای غیر از نماز

۱. حضور حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) در مسجد

پس از وفات پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، هنگامی که ابوبکر غاصبانه بر تخت حکومت نشست، حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) به مسجد رفتند و خطبه‌ی فدکیه را بیان فرمودند.^۳

۲. خطبه‌ی حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) در مسجد اموی شام

سخنرانی حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) در مسجد اموی شام بوده است و امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) و مردم اعتراضی برای حضور ایشان و سایر زنان در مسجد نداشتند.

۳. حضور زن در مسجد برای اعتکاف

ابی‌عبدالله (علیه‌السلام) فرموده‌اند:

وَ قَالَ إِنَّ عَلِيًّا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ كَانَ يَقُولُ لَا أَرَى الْإِعْتِكَافَ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ مَسْجِدِ الرَّسُولِ أَوْ مَسْجِدِ جَامِعٍ وَلَا يَنْبَغِي لِلْمُعْتَكِفِ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا لِحَاجَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا ثُمَّ لَا يَجْلِسُ حَتَّى يَرْجِعَ وَالْمَرْأَةُ مِثْلُ ذَلِكَ^۴، اعتکاف یا در مسجد الحرام یا مسجد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) یا مسجد جامع هر شهری منعقد می‌شود و سزاوار نیست معتکف از مسجد خارج شود؛ مگر

اینکه ضرورت باشد و وقتی کارش را انجام داد، بدون اینکه بنشیند برگردد.

ایشان در ادامه‌ی حدیث می‌فرماید: و زنان مثل مردان هستند. پس معلوم می‌شود زنان هم می‌توانند به مسجد بیایند و معتکف شوند. در روایتی آمده است: زنان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) گاه با آن حضرت در مسجد

۱. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۷۷، ح ۲۰۸۷۲ و صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳.

۲. همان.

۳. ریاحین الشریعة، ج ۱، ص ۳۱۹ و صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۲.

۴. الکافی، ج ۴، ص ۱۷۶، ح ۲ و ص ۱۷۷، ح ۱.

معتکف می‌شدند.^۱ قرآن کریم هم می‌فرماید: «وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ»^۲، با زنان هنگام اعتکاف در مساجد مباشرت نکنید. بنا بر این روایت، اگر زنان بیرون از مسجد باشند، این سخن خداوند در قرآن معنا نمی‌دهد؛ بنابراین یا معتکفان با زنانشان معتکف بودند یا زنان در مسجد به دیدار مردان می‌آمدند. در روایتی آمده است:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ وَ أَيْ امْرَأَةٍ كَانَتْ مُعْتَكِفَةً ثُمَّ حَرُمَتْ عَلَيْهَا الصَّلَاةُ فَخَرَجَتْ مِنَ الْمَسْجِدِ فَظَهَرَتْ فَلَيْسَ يَنْبَغِي لِرُؤُوسِهَا أَنْ يُجَامِعَهَا حَتَّى تَعُودَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ تَقْضِيَ اعْتِكَافَهَا، امام صادق (علیه السلام) فرمود: اگر زنی که در حال اعتکاف است، [به واسطه‌ی حیض] از نماز باز ماند و از مسجد بیرون رود و دوباره پاک شود، شایسته نیست همسرش با او نزدیکی کند تا اینکه زن به مسجد بیاید و اعتکاف خود را به پایان برساند.

۴. محجنه خادم مسجد

تاریخ از وجود زن مسلمان سیاه‌پوستی به نام محجنه (ام‌محجن) در عصر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خبر می‌دهد که خادم و نظافت‌کننده‌ی مسجد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بوده است. ابوسعید می‌گوید: زنی سیاه‌چرده، که مسجد را جارو می‌کرد، شبی وفات کرد. هنگامی که صبح شد، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را از مرگش با خبر کردند. ایشان فرمودند: چرا مرا از مرگ او آگاه نکردید؟ آن‌گاه پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با اصحابش بر قبر او حاضر شدند، آن حضرت کنار قبر ایستاد و تکبیر گفت و درحالی‌که مردم نیز پشت سرش بودند بر او نماز گزارند و برای او دعا کردند.^۳ طبق برخی روایات، حضرت فرمود: اینک او را در بهشت می‌بینم.^۴

۵. حضور زن در مسجد برای رفع آلودگی مسجد

حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) وارد محراب امام جماعتی شد و چون محراب به آب دهان آلوده شده بود، با امام جماعت برخورد کرد. همسر امام جماعت از علت برخورد با شوهرش باخبر شد و آب دهان را از محراب پاک کرد. حضرت فرمودند: شوهر را به علت خانمش بخشیدم.^۵ به نظر می‌آید این خانم در مسجد بوده

۱. سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۵۲۳، ح ۲۴۷۶.

۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۷

۳. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۲۴۰ و وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۳۸۸.

۴. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱۹ و ۱۱۶، ج ۲، ص ۹۲.

۵. اسدالغابه، ج ۵، ص ۶۱۷.

۶. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۶، ح ۳۸۲۱.

است که مطلع شده است یا بعد از اطلاع به مسجد آمده است و در محراب حاضر شده است و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به اسن حضور اعتراض نکرده اند.

۶. زن و حائض شدن در مسجد

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ إِذَا كَانَ الرَّجُلُ نَائِمًا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ مَسْجِدِ الرَّسُولِ فَاخْتَلَمَ فَأَصَابَتْهُ جَنَابَةٌ فَلْيَتَيَّمْ وَلَا يَمُرَّ فِي الْمَسْجِدِ إِلَّا مُتَيَّمًا حَتَّى يَخْرُجَ مِنْهُ ثُمَّ يَغْتَسِلَ وَكَذَلِكَ الْحَائِضُ إِذَا أَصَابَهَا الْحَيْضُ تَفَعَّلْ كَذَلِكَ وَلَا بَأْسَ أَنْ يَمُرَّ فِي سَائِرِ الْمَسَاجِدِ وَلَا يَجْلِسَ فِيهَا، امام باقر (علیه السلام) فرموده اند: اگر مردی در مسجد الحرام یا مسجد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به خواب رود و جنب شود، باید تیمم کند و با تیمم از مسجد گذر کند و خارج گردد؛ سپس غسل نماید. همین طور زن، چنانچه در این دو مسجد حیض شود، این گونه عمل کند. اما در غیر از این دو مسجد بدون تیمم هم می تواند خارج گردد.

۷. حضور فاطمه بنت اسد در مسجد

اگر زن نباید به مسجد برود، پس فاطمه بنت اسد با مسجد الحرام و خانه‌ی خدا چه کار داشت و از آن مهم تر چرا دیوار خانه‌ی خدا هم شکافته شد؟

۸. نوله بنت اسلیم در نماز جماعت مسجد بنی حارثه

یکی از زنان مسجدی عصر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) «نوله بنت اسلیم» است که در روز تغییر قبله در نماز جماعت مسجد بنی حارثه شرکت داشت و ماجرای آن روز را چنین تعریف می کند: دو رکعت از نماز ظهر یا عصر را در مسجد بنی حارثه رو به قبله‌ی بیت المقدس خوانده بودیم که شخصی خبر آورد رسول الله (صلی الله علیه و آله) به طرف بیت الله الحرام روی کرده است؛ بلافاصله مردان به مکان زنان و زنان به مکان مردان تغییر محل دادند و چرخیدند و دو رکعت دیگر را رو به بیت الله الحرام گزاردیم^۲

۹. سفارش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به خروج زنان از مسجد قبل از مردان

روایت است که روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیرون مسجد بودند و دیدند مردان و زنان با هم از مسجد بیرون می آیند، ایشان رو به زنان کردند و فرمودند: بهتر است صبر کنید ابتدا مردان بروند، سپس شما^۳

۱. الکافی، ج ۳، ص ۷۳، ح ۱۴ و تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۰۷، ح ۱۲۸۰.

۲. اسد الغابه، ج ۵، ص ۵۵۷.

۳. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۵۳۳، ح ۵۲۷۲.

۱۰. باب النساء

یکی از درهای مسجدالنبی به نام «باب النساء» است. اگر بنا بود زنان به مسجد نیایند، باب النساء مفهومی نداشت. در روایت آمده است که روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به یکی از درهای مسجد اشاره کردند و فرمودند: خوب است این در را به بانوان اختصاص دهیم.^۱

۱۱. تعلیم و تعلم زنان مسلمان در مساجد

شواهد نشان می‌دهد که تعلم در مساجد خاص مردان نبوده است. زنان مسلمان نیز مجاز بودند به مساجد بروند و به سخنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گوش دهند و گاهی از آن حضرت سؤال کنند. اگر احساس می‌شد زنان، به هر دلیل، سخنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را نشنیده‌اند، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آنان را دوباره موعظه و نصیحت می‌کرد.^۲

۱۲. پرستاری زن از مجروحان در مسجد

در تاریخ نقل شده است که در مسجد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) جایگاهی برای معالجه‌ی بیماران و مجروحان معین شده بود و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و یارانش در آنجا از بیماران عیادت می‌کردند. اقدی می‌نویسد: در ماجرای جنگ احد مردم در مسجد چراغ و آتش برافروخته بودند و خستگان و مجروحان را زخم‌بندی می‌کردند. به دنبال زخمی شدن سعد بن معاذ، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ایشان را در خیمه‌ی «کُعبیه»، دختر سعد بن عتبّه در مسجد پیامبر، جای داد. این زن زخمی‌ها را معالجه می‌کرده و از اشیاء گمشده و پراکنده نگهداری می‌کرد.^۳

۱۳. همراهی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و فاطمه (سلام الله علیها) در رفتن به مسجد

نقل شده است روزی امام علی (علیه السلام) وارد منزل می‌شود و همسرش فاطمه (سلام الله علیها) را نمی‌یابد، از منزل خارج می‌شود و به سوی مسجد روانه می‌گردد، در مسجد نماز می‌خواند و سپس مقداری شن در مسجد جمع می‌کند و به آن تکیه می‌دهد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و فاطمه (سلام الله علیها) در حالی که حسنین (علیهم السلام) را در آغوش داشتند و دست ام‌کلثوم را در دست گرفته بودند به مسجد می‌آیند. در مسجد می‌بینند که امام علی (علیه السلام) همان‌گونه که بر شن‌ها تکیه داده بود خوابش برده است. در این هنگام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پای

۱. همان.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۱۷.

۳. تاریخ کتابخانه‌ی اهل مساجد، ص ۴۷.

مبارکش را روی پای مبارک امام علی (علیه السلام) می‌گذارد و مقداری فشار می‌دهد و می‌گوید: «قُمْ يَا أَبَا تُرَابٍ» (بلند شو ای ابوتراب). در این حدیث مشاهده می‌شود که فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به مسجد تشریف برده‌اند در حالی که ضرورتی هم نبوده است.^۱

مبحث سوم: بررسی فقهی حضور زن در مسجد

فقهای اسلام، به خصوص شیعه، با توجه به سه دسته از روایاتی که بیان شد و نیز آیاتی از قرآن کریم، در مورد حضور بانوان در مسجد اختلاف نظر و فتوا دارند.

• عده‌ای همچون علامه‌ی حلی آمدن زنان به مساجد را مکروه می‌دانند و می‌فرمایند: «یکره للنساء الاتیان الی المساجد لما فیہ من التبرج المنہی عنہ». امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «خَيْرُ مَسَاجِدٍ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتُ»^۲ و در کتاب نه‌ایة الاحکام می‌گوید: «و هذا الحکم (رفتن به مسجد) مختص بالرجال دون النساء لانهن امرن بالاستتار...»^۳

• عده‌ی کثیری از فقها گرچه حکم به کراهت حضور زن در مسجد نداده‌اند؛ ولی خواندن نماز در خانه را برای زنان برتر شمرده‌اند.^۴ شهید اول می‌فرماید: «و يستحب للنساء الاختلاف اليها كالرجال و ان كان البيت افضل و خصوصاً لذوات الهيئات»^۵ همچنین صاحب غنائم الایام می‌گوید: «و اما المرأة فصلاحتها فی البيت افضل...»^۶

این دو گروه از فقها دلیل خود را توجه کردن به آیات قرآن و احادیث معصومان^۷ ذکر کرده‌اند که مبنی است بر ممنوع بودن تبرج (آشکار شدن در برابر دیدگان مردم) برای زنان و دستور شرع مقدس بر اهمیت

۱. الآداب الطیبة فی الاسلام، ص ۶۹ و مغازی، ج ۱، ص ۳۸۶ و ۱۸۰.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۲۴۰ و وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۳۸۸.

۳. نه‌ایة الاحکام، ج ۱، ص ۳۵۳.

۴. جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۵۰ - ۱۴۹ و الدروس، ج ۱، ص ۱۵۵ و الشیخ لطف الله الصافی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۱۲۰، مسئله‌ی ۷۱۲ و

السید الکیایگانی قدس سره، هدایة العباد، ج ۱، ص ۱۳۹، مسئله ۷۱۲.

۵. الدروس، ج ۱، ص ۱۵۵.

۶. غنائم الایام، ج ۲، ص ۲۱۲ - ۲۱۰.

۷. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۴۴، ح ۶۹۴ و احزاب، ۳۹ و ۵۹ و سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۱.

حفظ عفاف و رعایت حجاب و عدم اختلاط زنان و مردان و نیز جلوگیری از وقوع فتنه و مفساد اجتماعی و اخلاقی.^۱

• برخی دیگر از فقهای شیعه نه تنها جواز بلکه استحباب را در حضور و نماز خواندن زن در مسجد دانسته‌اند. مرحوم محقق اردبیلی می‌گوید: «گرچه بنا بر برخی روایات فضیلت حضور در مسجد مختص مردان است؛ لکن با توجه به دیگر روایات و ضعفی که در سند روایت یونس بن ظبیان وجود دارد، می‌توان گفت: «و مع ذلک لایبعد الاستحباب اذا کن لا یراهن احد و لا یرونه مع عدم مفسده اخی».^۲

امام خمینی (رحمة الله علیه) نیز فرموده‌اند: «برای زن‌ها نماز خواندن در خانه، بلکه در صندوق خانه و اتاق عقب بهتر است؛ ولی اگر بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند».^۳ حتی برخی از فقهای معاصر می‌فرمایند: «برای زن‌ها در صورتی که خود را از نامحرم به خوبی حفظ کنند بهتر است نماز را در مسجد بخوانند و اگر راهی برای یادگرفتن مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد، واجب است به مسجد بروند».^۴ همچنین، بنا بر کتب فقهی یکی از مسائل شرعی بانوان این است که در حال عادت ماهیانه نمی‌توانند مسجد بروند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هم فرموده‌اند: «ان المسجد لایحل لجنب و لاحائض».^۵ اگر بنا بود زنان اصلاً مسجد نروند، چرا فرمودند: در ایام عادت نروند؟ بنابراین، مفهوم حدیث و مفهوم فتوای مراجع عظام تقلید این است که وقتی عذر شرعی ندارند، می‌توانند به مسجد بروند.^۶

در باب احکام محرمات جنب و حائض آمده است که برای این دو رفتن به مسجد الحرام و مسجد پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله) حرام است؛ اگر چه از یک در داخل و از در دیگر خارج شوند. توقف در مساجد دیگر نیز حرام است؛ ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شوند یا برای برداشتن چیزی بروند مانعی ندارد.^۷

۱. تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۹۰ و نه‌ایه الاحکام، ج ۱، ص ۳۵۳ و جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۵۰ - ۱۴۹ و غنائم الایام، ج ۲، ص ۲۱۲ - ۲۱۰.

۲. مجمع الفائده، ج ۲، ص ۱۵۹ و الدروس، ج ۱، ص ۱۵۵.

۳. امام خمینی، توضیح المسائل، م ۸۹۴.

۴. مکام شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، م ۸۱۷.

۵. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۶۸.

۶. امام خمینی، توضیح المسائل، م ۴۵۰.

۷. همان، م ۳۵۵.

دلایل قائلان به جواز و استحباب حضور بانوان در مسجد همان شواهد تاریخی است بر حضور این قشر از جامعه در نمازهای جماعت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و نیز عموماً و اطلاقات روایاتی است که بیانگر ترغیب و تشویق بر رفت و آمد به مسجد و بهره‌مندی از فضایل مسجد برای انسان، قطع نظر از جنسیت آن، است.^۱ علاوه بر اینکه فقهای متقدم، متأخر و نیز معاصر حضور زنان را همچون مردان در مسجد الحرام و مراسم عبادی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی نماز جمعه^۲ و اعتکاف و حج جایز شمرده‌اند.^۳

مبحث چهارم: شرایط حضور زنان در مساجد

فقهای اسلام اتفاق نظر دارند که حضور زنان در مساجد جایز است (جواز بالمعنی الأعم). اینک باید دید این حضور شرایطی هم دارد یا نه. در پاسخ باید گفت شرع مقدس آداب و دستورهای بیان کرده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. استفاده نکردن از بوی خوش

یکی از آداب مسجد زینت کردن هنگام رفتن به مسجد است. قرآن کریم می‌فرماید: «یا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۴، ای فرزندان آدم، هنگام رفتن به مسجد زینت خود را بگیرید. آنچه از کتب روایی و تفسیری در تفسیر کلمه‌ی «زینت» استفاده می‌شود این است که «زینت» هم شامل آراستگی ظاهری می‌شود و هم شامل آراستگی باطنی و درونی و ذکر مصادیق در روایات، از قبیل پوشیدن لباس نیکو یا شانه کردن و استعمال عطر و بوی خوش در حال نماز و در مسجد، جنبه‌ی تعیینی ندارد و این‌ها از مصادیق زینت هستند.^۵ در کتب فقهی هم آمده است: «يُسْتَحَبُّ التَّطَيُّبُ وَ لُبْسُ الثِّيَابِ الْفَاخِرَةِ عِنْدَ التَّوَجُّهِ إِلَى الْمَسْجِدِ»^۶، مستحب است به هنگام رفتن به مسجد از بوی خوش و لباس‌های نیکو استفاده شود. اما همین امر مستحب که بر آن این قدر تأکید شده است، نباید در مورد بانوان به گونه‌ای باشد که تحریک‌کننده و با شئون و عفاف آنان مخالف باشد. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرموده‌اند: هنگامی که یکی از شما زنان قصد

۱. مجمع الفائدة، ج ۲، ص ۱۵۹ و کشف الغطاء، ج ۱، ص ۲۱۴.

۲. جواهر الکلام، ج ۱، ص ۲۷۰ - ۲۶۸ و کشف اللثام، ج ۴، ص ۲۸۰ - ۲۷۹.

۳. مستند الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۴۶ و جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۲۸ و ۲۱۲ - ۱۸۴ و المغنی، ج ۳، ص ۱۲۷ و ۱۲۶.

۴. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۳۱

۵. تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۷۹ و تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۴ - ۱۳ و اصول کافی، ج ۶، ص ۵۱۷، ج ۷ و ص ۵۱۰، ج ۷.

۶. عروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰.

مسجد کرد، نباید از بوی خوش استفاده کند.^۱ ایشان همچنین فرموده‌اند: هرگاه زنی خود را خوشبو کند، سپس به سوی مسجد برود، نمازش قبول نمی‌شود تا آنکه آن بوی خوش را برطرف کند.^۲

۲. عدم اختلاط زن و مرد در مسجد

حضور زنان در مسجد آثار و ثواب بسیار دارد؛ ولی نباید زمینه‌ای برای اختلاط فراهم آید. در روایت آمده است که روزی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در بیرون مسجد بودند، دیدند مردان و زنان با هم از مسجد بیرون می‌آیند، رو به زنان کردند و فرمود: بهتر است صبر کنید ابتدا مردان بروند، سپس شما.^۳ همچنین، روزی حضرت به یکی از درهای مسجد اشاره کردند و فرمودند: خوب است این درب را به بانوان اختصاص دهیم^۴ و بدین ترتیب در آمدوشد زنان به مسجد را از مردان جدا کردند.

۳. پرهیز از سخنان بلند و بیهوده

یکی از نکاتی که افراد، چه زن و چه مرد، شایسته است در مسجد و حتی خارج از آن رعایت کنند، پرهیز از سخنان بیهوده و با صدای بلند است. خداوند در قرآن کریم خطاب به زنان رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا»^۵، ای همسران پیامبر! به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند. درواقع، خداوند در این آیه به زنان دستور می‌دهد در سخن‌گفتن وقار و عفاف داشته باشند. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بلندکردن صدا در مسجد را از نشانه‌های نزول بلا بر امت می‌شمارد و می‌فرماید: هنگامی که پانزده خصلت در میان امت من رایج شود، بلا بر آنان نازل خواهد شد، از جمله‌ی آنها این است که «وَأَرْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ فِي الْمَسَاجِدِ»^۶، صداها را در مسجد بلند کنند. بنابراین، بر همه، به‌ویژه زنان، واجب است که از صحبت‌کردن درباره‌ی امور دنیوی و بلندکردن صدا پرهیز کنند.

۱. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۳۳.

۲. سنن ابن‌ماجه، ج ۲، ص ۱۳۲۶، ح ۴۰۰۲.

۳. سنن ابی‌داود، ج ۲، ص ۵۳۳، ح ۵۲۷۲.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۱۷.

۵. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۲.

۶. الخصال، ج ۲، ص ۵۰۲ - ۵۰۱.

۴- اجازه‌ی شوهر

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند: «هنگامی که زنان از شما اجازه‌ی رفتن به مسجد می‌خواهند، آنان را از بهره و نصیبشان از مساجد محروم نکنید و اجازه‌شان دهید».^۱ به‌طورکلی، خروج زن از منزل، گرچه برای رفتن به مسجد باشد، نباید منافاتی با حقوق شوهرشان داشته باشد؛ درغیراین‌صورت نباید به مسجد یا خارج از خانه بروند.^۲

۵- توقف بیجا در مسیر مسجد

زنان مسلمان باید بدانند که توقف بیجا در کوچه، خیابان و مسیر مسجد شایسته نیست؛ حتی توقف بیهوده در خود مسجد نیز مذموم شمرده شده است. رسول اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خطاب به ابوذری می‌فرماید: «يَا أَبَا ذَرٍّ كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَغْوٌ إِلَّا ثَلَاثَةٌ قِرَاءَةٌ مُصَلٍّ أَوْ ذَاكِرُ اللَّهِ تَعَالَى أَوْ سَائِلٌ عَنْ عِلْمٍ»^۳، ای ابوذری! هر نشستنی در مسجد لغو و بیهوده است، مگر توقف و نشستن سه گروه: آنان که پس از به‌جا‌آوردن نماز مشغول قرائت قرآن یا سرگرم یاد خدا یا در حال تحصیل علم و دانش و مباحثه‌ی علمی باشند.

مبحث پنجم: آثار حضور زنان در مسجد

در متون روایی شیعه و سنی، برای رفت‌وآمد به مسجد، فواید و آثار فراوان دنیوی و اخروی‌ای بیان شده است. از این‌رو، بانوان نیز با رعایت شرایطی که در مباحث قبل ذکر شد، می‌توانند از همه‌ی این نتایج و آثار برخوردار باشند. افزون‌برآنکه حضور بانوان در مسجد آثار اجتماعی فراوانی نیز دارد؛ از جمله: ظاهر جامعه دینی‌تر و مساجد پررونق‌تر می‌شود و همچنین آن‌ها می‌توانند به کمک آموزه‌هایی که در مسجد کسب می‌کنند، نسل پس از خود را نسلی ایمانی بار بیاورند و کودکانی بپرورند که درواقع مسلمانان حقیقی نسل بعد هستند. با توجه به مجموعه روایات و آیات درباره‌ی مسجد می‌توان گفت که اگر بانوان با رعایت شرایط در این مکان‌های الهی وارد شوند، می‌توانند از آثار عبادی، آموزشی، تربیتی، معنوی، علمی، سیاسی، اجتماعی و به‌ویژه اثرات اخلاقی، روانی و تعالی‌بخش مسجد بهره‌مند گردند.

۱. سنن ابن‌ماجه، ج ۲، ص ۱۳۲۶، ح ۴۰۰۲.

۲. توضیح المسائل، امام خمینی قدس سره، م ۲۴۱۲.

۳. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۶، ح ۸.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. اختبار معرفة الرجال، شيخ الطوسي، آل البيت، قم، ۱۴۰۴ ه.ق.
۳. الآداب الطيبة في الاسلام، جعفر مرتضى عاملی، قم، جامعه مدرسين، ۱۳۶۲.
۴. أسد الغابة، ابن اثير، انتشارات اسماعيليان، تهران.
۵. اصول کافی، محمد بن يعقوب كليني، تهران دارالكتب الإسلامية، ۱۳۶۵.
۶. الأمالی، شيخ طوسي، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۷. بحار الانوار، علامه مجلسی، بيروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ه.ق.
۸. تاريخ كتابخانه های مساجد، محمدمكي السباعي، محمد عباسپور - محمد جواد مهدوی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ ش.
۹. تحرير الوسيلة، امام خميني، قم، اسماعيليان.
۱۰. تذكرة الفقهاء، علامة الحلبي، قم، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۱۴ ه.ق.
۱۱. تفسير عياشي، محمد بن مسعود عياشي، تهران، علميه، ۱۳۸۰.
۱۲. تفسير قمی، علي بن ابراهيم قمی، قم، مؤسسه دارالكتاب، ج ۳، ۱۴۰۴ ه.ق.
۱۳. تفسير نمونه، ناصر مكارم شيرازي و جمعی از دانشمندان، تهران، دارالكتب الإسلامية، ج ۴۱، ۱۳۸۰.
۱۴. تفسير نورالثقلين، الشيخ عبد علي بن جمعه العروس الحوزي، قم، اسماعيليان، ج ۴، ۱۴۱۲ ه.ق.
۱۵. تهذيب، شيخ طوسي، تهران، دارالكتب الإسلامية، ۱۳۶۵.
۱۶. ثواب الاعمال، شيخ الصدوق، رضی، قم، ج ۲، ۱۳۶۸.
۱۷. جامع الاخبار، تاج الدين شعيري، قم، رضی، ۱۳۶۳.
۱۸. جواهر الكلام، شيخ محمدحسن النجفي، قم، دارالكتب الإسلامية، ۱۴۱۲ ه.ق.
۱۹. حج، محسن قرائتي، نشر مشعر، ۱۳۷۳.
۲۰. خصال، شيخ الصدوق، تحقيق: علي اكبر غفاري، قم، جامعه مدرسين.
۲۱. خلاف، محمد بن الحسن الطوسي، قم، مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ه.ق.
۲۲. دروس الشرعية، شهيد الأول، قم، مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ه.ق.
۲۳. دعائم الاسلام، نعمان بن محمد تميمي مغربي، مصر، دارالمعارف، ۱۳۸۵ ه.ق.
۲۴. الدعوات، قطب الدين راوندی، قم، مدرسة الامام المهدي (عج) ج اول، ۱۴۰۷ ه.ق.

٢٥. رجال النجاشي، شيخ ابي العباس احمد بن علي نجاشي، مؤسسة النشراسلامي التابعة لجماعة المدرسين، قم، ج ٥، ١٤١٦ هـ.ق.
٢٦. رسالهى توضيح المسائل، امام خمينى.
٢٧. رسالهى توضيح المسائل، آيةالله العظمى مكارم شيرازى، مدرسة الامام على بن ابيطالب، ج ١٢، ١٣٨٣.
٢٨. سنن ابن ماجه، محمد بن الحسين بن على البيهقي، دارالفكر، بيروت.
٢٩. سنن ابي داود، سليمان بن الأشعث السجستاني، دارالفكر، بيروت، ١٤٢٠ هـ.ق.
٣٠. السنن الكبرى، احمد بن الحسين بن على البيهقي، دارالكفر، بيروت.
٣١. سيمای مسجد، رحيم نوبهار، قم، اعتماد، ١٣٧٣.
٣٢. صحيح بخارى، محمد بن اسماعيل بخارى، بيروت، دارالفكر.
٣٣. صحيح مسلم، محمد بن مسلم النيشابورى، بيروت، دارالفكر.
٣٤. صحيفهى نور، مؤسسهى تنظيم و نشر آثار امام خمينى.
٣٥. طبقات كبرى، محمد بن سعد، بيروت، دارصادر.
٣٦. العروة الوثقى، السيد اليزدى، بيروت، مؤسسة الأعلمی، ١٤٠٩ هـ.ق.
٣٧. علل الشرايع، الشيخ الصدوق، نجف، مكتبة الحيدرية، ١٣٨٦ هـ.ق.
٣٨. غنائم الايام فى مسائل الحلال والحرام، الميرزا ابوالقاسم قمى، مكتب الاعلام الاسلامى، ١٤١٧ هـ.ق.
٣٩. الكافى، شيخ كلينى، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٥.
٤٠. كشف الغطاء، شيخ جعفر الغطاء، اصفهان.
٤١. كشف اللثام، فاضل الهندي، قم، مكتبة السيد المرعشى، ١٤٠٥ هـ.ق.
٤٢. كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال، المتقى الهندي، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٩ هـ.ق.
٤٣. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نورالدين هيثمى، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤٠٨ هـ.ق.
٤٤. مجمع الفائدة و البرهان، محقق الأردبيلى، قم، جامعه المدرسين، ١٤٠٩ هـ.ق.
٤٥. مجموعه ورام، ورام بن ابي فراس، قم، مكتبة الفقيه.
٤٦. مستدرک الحاكم، محمد بن محمد الحاكم النيشابورى، دارالمعرفة، بيروت، ١٤٠٦ هـ.ق.
٤٧. مستدرک الوسائل، محدث نوري، قم، مؤسسهى آل البيت، ١٤٠٨ هـ.ق.
٤٨. مستدرک سفينة البحار، شيخ على نمازى الشاهرودى، مؤسسة النشرالاسلامي لجماعة المدرسين به قم المشرفة، ١٤١٩ هـ.ق.
٤٩. مستند الشيعة، المحقق النراقي، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ١٤١٥ هـ.ق.

٥٠. مسند احمد، الأمام احمد حنبل، بيروت، دارالفكر.
٥١. المغازى، محمد بن عمر واقدى، ترجمة محمود مهدوى دامغانى، دانشگاه تهران، ١٣٦١.
٥٢. مكارم الاخلاق، ابى نصر حسن بن فضل طبرسى، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٧٦.
٥٣. من لايحضره الفقيه، شيخ صدوق، قم، جامعه مدرسين، ١٤١٣ هـ.ق.
٥٤. الميزان فى تفسير القرآن، علامه سيد محمد حسين الطباطبائى، قم مؤسسه النشر اسلامى.
٥٥. نماز بانوان، عباس عزيزى، صلاة، ج ٢، ١٣٨١.
٥٦. نهايه الاحكام فى معرفة الاحكام، علامه حلى، قم، اسماعيليان، ج ٢، ١٤١٠ هـ.ق.
٥٧. نهج الفصاحة، مجموعه كلمات قصار حضرت رسول، ترجمه ابوالقاسم پاينده، نشر جاويدان.
٥٨. هداية العباد، سيد الكلپايگانى، دارالقرآن الكريم، ١٤١٣ هـ.ق.
٥٩. هداية العباد، شيخ لطف الله الصافى، دارالقرآن الكريم، ١٤١٦ هـ.ق.
٦٠. وسائل الشيعه، حرالعالمى، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، مهر قم، ج دوم، ١٤١٤ هـ.ق.
- منبع: مركز رسيدگى به امور مساجد